



صدایش از پشت تلفن می‌لرزد و معلوم است هنوز در شوک رویداد است. نامش «فاطمه فیضی» است؛ خبرنگاری که شاهد عینی انفجار انتحاری کابل بوده، می‌گوید با محل انفجار فقط چند ثانیه فاصله داشته، تاکید می‌کند خیلی نزدیک بود: «وقتی انفجار اول اتفاق افتاد، گوش‌هایم کاملا قفل شد، دیدم مردم فرار می‌کردند، حس می‌کردم جایی در حال فیلم‌دیدن هستم. نمی‌توانستم خودم را تکان دهم که انفجار دوم رخ داد، به اندازه‌ای شوکه شده بودم که حتی صدای انفجار دوم را نشنیدم. فقط دیدم که از یک جایی از بدن خون می‌آید و از دستانم می‌چکد که بعدا متوجه شدم از بینی‌ام خون می‌آید».
روایتی که از وضعیت مردم در لحظه حادثه دارد دردناک است. می‌گوید: «خیلی از مردم را دیدم که تکه‌های بدن‌شان این طرف و آن طرف افتاده بود».
وقتی انفجار اتفاق افتاد، همه فرار کردند حتی پلیس: «همه مردم داشتند فرار می‌کردند و به نحوی سعی می‌کردند خود را از منطقه دور کنند. پلیس شلیک هوایی می‌کرد. به سمت مردم هم شلیک می‌کرد. مردم می‌کوشیدند خود را از محل حادثه دور کنند، ولی وقتی می‌دیدند افرادی روی زمین افتاده‌اند، دیگر ترس‌شان می‌ریخت و دوباره برمی‌گشتند و تلاش می‌کردند زخمی‌ها را در ماشین‌هایی که آنجا بود، سوار کنند تا به شفاخانه (بیمارستان) انتقال داده شوند، حتی گوشت آدم‌ها را با دست‌شان جمع می‌کردند.»

پلیس‌هایی که به مردم شلیک می‌کردند

از او می‌پرسم آیا خودش دیده است که پلیس به سمت مردم شلیک کرده، می‌گوید: «بله من خودم دیدم که پلیس داشت به طرف مردم شلیک می‌کرد. از این طرف خیابان تا آن طرف خیابان با آن فاصله داشتیم؛ دیدم پلیس به سمت مردم شلیک می‌کرد. حتی آقایی رفت طرف پلیس و گفت لطفا طرف ما شلیک نکن. این‌همه آدم در انتحار کشته شده، تو دیگر ما را نکش. همان‌جا چند نفر از مردم سمت پلیس رفتند تا نگذارند به طرف مردم شلیک کند. پلیس‌ها به‌شدت شلیک می‌کردند». این موضوع را یکی دیگر از شاهدان هم تأیید می‌کند.
پلیس شهر کابل شماری از جاده‌های منتهی به محل تجمع را با کاننیر بسته بود و باعث دیرآمدن آمبولانس شد؛ فاطمه دراین‌باره می‌گوید: «می‌توانم بگویم بعد از ۱۵ تا ۲۰ دقیقه، صدای هیچ آمبولانسی به گوش نمی‌رسید؛ با وجود اینکه مردم خیلی دادو فریاد می‌کردند. همه کوشش می‌کردند جنازه‌ها را خودشان انتقال دهند. حتی چند نفر نیستند؛ نه جنازه‌ای را آنها داریم و نه اثری از آنها وجود دارد. تا نیم‌ساعت حتی آمبولانسی نزدیک محل نبود». وی می‌افزاید: «فقط چند



شاهدان عینی حادثه کابل در گفت‌وگو با «شرق»:

مثل یک فیلم بود

رنجر محدود پلیس بود که دقیقا نمی‌دانم چند تا بودند. پلیس‌هایی هم بودند که حتی از منطقه فرار کردند و بعد از اینکه دیدند مردم برگشته‌اند، آنها هم برگشتند. مردم از کوچه و پس‌کوچه تلاش می‌کردند جنازه‌ها را انتقال دهند. پلیس با مردم همکاری نمی‌کرد و بیشتر مردم بودند که می‌کوشیدند خودشان اوضاع را کنترل کنند».
در انتهای گفت‌وگو، وقتی از دو همکار خبرنگارش می‌گوید، بغضش می‌ترکد و می‌گوید فقط از یک منطقه، «جاغوری»، ۴۷ نفر کشته شده‌اند: «من فقط می‌خواهم این را بگویم که دولت افغانستان مقصر است. درواقع به عنوان یک شهروند، کسی که واقعا دو شب که از حادثه می‌گذرد، نخواهید‌ام. از وقتی حادثه را دیدم دیگر نمی‌توانم شب بخوابم. شب وقتی چشمانم را می‌بندم، حس می‌کنم کسانی در گوشم می‌گویند ما عدالت می‌خواهیم. آرامش خود را کاملا از دست داده‌ام. من می‌خواهم این را به دولت افغانستان بگویم که نه‌تنها این اتفاق روحیه من را تضعیف نکرده، بلکه به من روحیه و قوت بیشتر داده. من بیشتر مبارزه خواهم کرد. برای من این انگیزه خلق شد که ندای من حق است؛ اگر حق نبود من شاهد کشته‌شدن ۵۰، ۶۰ نفر از یک ولایت نبودم. ۴۷ جنازه تنها از منطقه، جاغوری، هستند. تحمل‌کردن این برای من خیلی سخت است. من حتی نمی‌توانم تصور کنم ۴۷ جنازه را در یک منطقه چگونه به خانواده‌های‌شان تحویل می‌دهند.»

درجاده‌ای که انتحاری آمد، سربازی ندیدم

نامش رحمان است می‌گوید: «انفجار که اتفاق افتاد من در حدود ۲۰۰متری محل بودم. ما گرسنه شده بودیم، برای نان‌خوردن کمی دور شده بودیم که انفجار شد. انفجار اولی رخ داد و به دنبال آن دو انفجار دیگر. بعد از اینکه انفجار اول رخ داد، صدای شلیک گلوله نیز می‌آمد. یکی از انتحاری‌ها هم نتوانست به صورت کامل خود را منفجر کند. صدای شلیک گلوله شاید به خاطر این بود که می‌خواستند انتحاری‌ها را از پا درآورند. یک نفری که آنجا بود گفت من با چشم سر خود دیدم که پلیس شلیک کرد و یک نفر افتاد».
درباره امنیت تأمین‌شده از سویی پلیس نیز می‌گوید: «کنار سرک (خیابان) سینما پامیر یک جاده بود که از سوی پلیس مسدود شده بود. پلیس ضدشورش خیلی بود. یکی از پلیس‌ها در سایه نشسته بود که فرمانده‌اش به او گفت بیایید اینجا در صف بایستید تا عکس شما خوب و مقبول بیاید. در جاده دارل‌مان که انتحاری از آن جهت آمد، من اصلا هیچ پلیسی ندیدم. امنیت آنجا را نگرفته بودند که هرکسی می‌توانست عبور کند». می‌گوید بیشتر کشته‌شده‌ها دانشجو بوده‌اند و یکی از دوستانش نیز جز کشته‌هاست.

زاویه

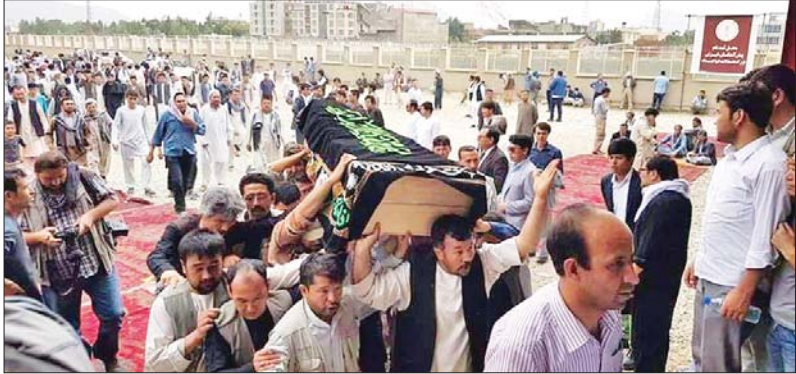


چرا مسلمان کشی؟

دبلی‌تایمز: افغانستان از آن دست کشورهایی است که برای مدتی طولانی گرفتار جنگ و خشونت است. اخبار حمله و انفجار در افغانستان به‌قدری زیاد است که دیگر به‌سختی می‌توان توجه‌ها را به آنها جلب کرد. اگرچه گفتن این موضوع مایه تأسف است، اما نشان می‌دهد زمانی که خشونت تبدیل به موضوعی پیش‌پاافتاده می‌شود، دیگر نمی‌توان توجه عموم مردم را به آن جلب کرد، اما این دلیل نمی‌شود که با شهروندان افغانستان ابراز همدردی نکنیم. آنها که روزهای سختی را می‌گذرانند. حمله انتحاری روز شنبه به تظاهرات‌کنندگان جنبش روشنائی نمونه‌ای است از وقیحانه‌ترین نوع حملات فرقه‌ای. آن‌هم به یک تظاهرات صلح‌آمیز که شعارهای آن چیزی جز رفع نابرابری و ترویج عدالت نبود. هزاره‌ای‌های شیعه که روز شنبه برای جلوگیری از عبور خطوط برق میلیون‌دلاری از میان استان محروم بامیان تظاهرات کرده بودند، حتی به فکرشان هم خطور نمی‌کرد که اقدامشان با چنین سطح شیعی از خشونت روبرو شود. این حمله انتحاری که ۸۰ کشته و ۲۳۱ زخمی برجای گذاشت، نشان داد خشونت علیه شیعیان هزاره تا چه میزان زیاد است. مسئولیت این حمله انتحاری را داعش برعهده گرفته است. ازهمین‌روست که شاید این پرش مطرح شود که چگونه این‌ گروه به کشوری بی‌ثبات حمله می‌کنند؟ شیعیان هزاره یک گروه اخلاقی‌گرای مذهبی است که سال‌ها هم از سوی افغانستان و هم از سوی پاکستان مورد آزار و اذیت قرار گرفته است. آنها یکی از قربانیان اصلی دعوای شیعه- سنی در گروه‌های افراط‌گرای مثل طالبان در پاکستان و افغانستان بوده‌اند. واقعا جای تأسف است که خشونت علیه این گروه همچنان ادامه دارد و این گروه نه در افغانستان و نه در پاکستان از امنیت لازم برای زندگی برخوردار نیستند. سوخت لازم برای این تفرق و خشونت را مقدس‌گرایی تأمین می‌کند که افراط‌گرایان مذهبی‌ای مانند داعش به‌دنبال آن هستند. آنها برای رسیدن به هدف پاکسازی مذهب خود از مرتدان، دیگر گروه‌های اسلامی را مورد حمله قرار می‌دهند. به همین خاطر است که وقتی مسلمانی مسلمان دیگری را می‌کشد نباید تعجب کرد. نکته دیگر اینکه نباید این خشونت را تنها مختص گروه‌های سازمان‌یافته تروریستی‌ای مانند طالبان و داعش دانست. اگرچه این دو گروه وحشیانه‌ترین و بزرگ‌ترین اقدامات تروریستی علیه مسلمانان را در دهه‌های اخیر سازماندهی کرده‌اند، اما در برخی کشورهای مسلمان نیز نبود رواداری به اشکال مختلف آن نسبت به دیگر مذاهب مسلمان دیده می‌شود. ازهمین‌رو شاید هدف اول و فوری این باشد که این سازمان‌های تروریستی از بین بروند، اما این هدف بدون آنکه حکومت در این کشورها امکان رشد گروه‌های تروریستی را به‌طور کامل سلب کند، ناقص است. دراین‌میان افغانستان ازجمله کشورهایی است که نیاز به اقدامات فوری دارد چراکه فضای این کشور به دلیل دهه‌ها بی‌ثباتی و محرومیت به محلی مناسب برای رشد افراط‌گرایان تبدیل شده است. ازاین‌رو حضور گروه‌های افراطی نظیر داعش در منطقه جای تعجب ندارد. در سطح گسترده‌تر نیاز است که حکومت وهابی عربستان سعودی جنگ ایدئولوژیک خود را به پایان برساند. چراکه این جنگ باعث درگیری فرقه‌ای در سایر کشورها خواهد شد و حمایت هر یک از دوکشور از کشورهای دیگر نیز این تنش را افزایش خواهد داد. بنابراین اگرچه نباید نقش غرب در کشورهای منطقه و ادامه تنش‌ها در این‌کشور دیگری است و در این هیچ شکی نیست که تأمین امنیت اعتراض‌کنندگان نیز از وظیفه‌های دولت به شمار می‌آید.

بارملامت

حمید فرهادی، سردبیر یک هفته‌نامه خصوصی در هرات هم می‌گوید: «یک روز پس از فاجعه دهمزنگ و به خاک و خون افتادن ده‌ها شهروند کابل، درحالی‌که مردم انتظار داشتند عوامل واقعی این حادثه شناسایی شوند و مورد پیگرد قرار بگیرند، دولت افغانستان در تلاش است عامل و مسبب این رویداد را رهبران جنبش روشنائی عنوان کند که چرا مردم را به خیابان کشیدند تا کشته شوند!» وی افزود: «دولت به جای اینکه کم‌کاری‌های فرماندهی پلیس کابل، کم‌کاری ریاست عمومی امنیت افغانستان و ضعف مدیریت نهادهای امنیتی را به باد انتقاد بگیرد؛ می‌خواهد بار ملامت را بر دوش رهبران جنبش روشنائی بیندازد و خودش از این فاجعه به‌نوعی شانه خالی کند». وی با اشاره به فعالیت‌های مدنی گفت: «از سویی هم، اعتراض‌های مدنی حق شهروندان افغانستان و هرکشور دیگری است و در این هیچ شکی نیست که تأمین امنیت اعتراض‌کنندگان نیز از وظیفه‌های دولت به شمار می‌آید».



جنبش روشنائی، خاموش‌شدنی نیست

نظیر مودت

به خودمان تسلیت بگویم وقتی که قوت انفجار به حدی بوده که ردی از جنازه نیست؟ تابوت‌های خالی را روی دوش بگذاریم و از این‌سوی شهر به سمت گورستان برویم؟ ما که برای یک مطالبه مدنی آمده بودیم، حالا با کدام رفیقمان به حوالی برمی‌گردیم؟ مگر آن حوالی برق دارد؟ اصلا مهم است؟ جنبش روشنائی برای همین بود که عدالت معنا پیدا کند، ظهور کند و بماند، اما آنهایی که دم از عدالت می‌زدند، مردم را عزادار کردند، تنها کردند، بی‌یار و یاور به حوالی برگردانند، ظلمی از این کلان‌تر؟ داعی از این سوزنده‌تر؟

حالا ما هم مثل شما ایرانی‌ها که در بسیاری از شهرهایتان چوکی (چهارراهی) به اسم «شهید» دارید، در کابل چنین جایی داریم. از روز انفجار آن بمب، دیگر چهارراه دهمزنگ، دهمزنگ معنا نمی‌دهد، اینجا چهارراه خون است، چوک شهید. ولی ما نیامده بودیم که شهید بدھیم، ما آمده بودیم که بگویم می‌توانیم بیاییم. می‌توانیم مسائل‌مان را از خرد تا کلان، در همین‌جا و براساس حقوق قانونی و شهروندی‌مان حل کنیم، دولت هم گوش می‌داد، اگر این صدای وحشتناک انفجار، مانع نمی‌شد، سد نمی‌شد، سد ساختند که صدای بحق ما به گوش دولت نرسد، سد ساختند و ماهیان را به دام سرک انداختند تا این صدا خاموش نشود، اما نمی‌دانستند که جنبش روشنائی، خاموش‌شدنی نیست، گداخته‌تر می‌شود. از آه مادرانی که دیگر فرزندی ندارند، از آه فرزندانی که یتیم و بیچاره شده‌اند. چوک دهمزنگ آن روز غلغله بود، سراسر مردم، مردمی

زاویه دید

به دنبال یک مقصر

اختر محمد ماکویی

روز حادثه هواداران جنبش روشنائی برای دومین‌بار پس از اعلامیه هفتم اردیبهشت کابینه دولت افغانستان مبنی بر انتقال خط برق وارداتی ترکمنستان از مسیر سالنگ، دست به تظاهرات گسترده زدند. این جنبش خواهان انتقال خط وارداتی ترکمنستان از مسیر ولایت بامیان است. در تظاهرات روز شنبه هواداران «جنبش روشنائی» در شهر کابل و هزاران نفر از شهروندان مناطق مرکزی کشور شرکت داشتند. تظاهرکنندگان اعتراض‌های خود را با سردادن شعارهای ضد تبعیض و تاکید بر انتقال خط برق پنج‌صد ترکمنستان از مسیر بامیان، آغاز کرده و می‌خواستند در نزدیکی ارگ ریاست جمهوری رفته و دست به تحصن بزنند؛ اما در میدان «دهمزنگ» که حالا دولت تصمیم گرفته نام آن را به «شهید» تغییر دهد، با موانع امنیتی مواجه شده و در همان‌جا توقف کردند. هم‌زمان با ادامه اعتراض هواداران جنبش روشنائی و برپایی چادر تحصن، حوالی ساعت سه بعدازظهر انفجاری در میان معترضان رخ داد. منابع امنیتی گفته‌اند سه انتحارکننده قصد داشتند مواد انفجاری جاسازی‌شده در بدن‌شان را در میان معترضان منفجر کنند و دو نفر از این انتحارکنندگان موفق شده و فرد سوم آنها به وسیله نیروهای پلیس شناسایی و قبل از انتحار به قتل رسیدند. وزارت کشور افغانستان دراین‌باره گفت: «باوجود اینکه نیروهای امنیتی کشور برای تأمین امنیت تظاهرات‌کنندگان تلاش‌های زیادی را به خرج دادند؛ اما با آن هم تروریست‌ها و دشمنان قسم‌خورده مردم افغانستان یک بار دیگر با استفاده از فرصت دست به جنایت نابخشودنی زده و مردم بی‌گناه ما را به خاک و خون کشاندند». براساس گزارش‌ها این حمله توسط سه نفر انتحارکننده صورت گرفته که فرد اول دست به انتحار زده، دومی انتحار ناقص کرده و تروریست سومی بر اثر شلیک نیروهای امنیتی از بین برده شده است. همچنین شاهدان عینی رویداد که با رسانه‌ها صحبت می‌کنند می‌گویند یک انتحارکننده که لباس زنانه به تن داشته، خود را به جمع معترضان رسانده و مواد انفجاری جاسازی‌شده در بدن خود را منفجر کرده است. یکی از شاهدان عینی دیگر گفت که این انتحارکننده از میان دیگر کسانی که از کنار معترضان عبور می‌کرد، به جمع هواداران جنبش روشنائی پیوست. بنابر گزارش‌ها نیروهای امنیتی تدابیر جدی امنیتی برای تأمین امنیت تظاهرات‌کنندگان در نظر گرفته بودند و برخی از جاده‌های منتهی به مسیر تظاهرات را با گذاشتن کاننیر مسدود کرده بودند. به‌دلیل مسدودبودن جاده‌ها آمبولانس‌ها دیرتر به محل رویداد رسیدند و بیشتر قربانیان توسط «رنجر»‌های پلیس به بیمارستان نزدیک به محل رویداد منتقل شدند.

روز غم

اشرف‌غنی در واکنش به این حمله، روز یکشنبه را روز «ماتم ملی» اعلام کرد و گفت وی انتقام خون قربانیان این رویداد را می‌گیرد. اشرف‌غنی در یک بیانیه تلویزیونی در جمعی از مقام‌های ارشد حکومت گفت: «من امروز مثل والدین شهدا داغدارم و شریک درد و غم هر خانواده‌ای که امروز عزیزان خود را از دست داده و زخمی شده‌اند هستم. من به نمایندگی از ملت یکشنبه را روز ماتم ملی اعلام می‌دارم و از مساجد و تکیا می‌خواهم به این منظور به روح شهدا اتحاف دعا کنند. به‌علاوه به تمام نهادهای صحنی کشور هدایت دادم در مداوای زخمی‌ها از تمامی امکانات دولتی استفاده کنند و برای تکریم شهدا و رسیدگی به خانواده‌هایشان به مسئولان وظیفه دادم اقدامات عاجل کنند».

عبدالله عبدالله، رئیس اجرائی کشور، حمله تروریستی در میان هواداران جنبش روشنائی را به‌شدت محکوم کرده و در بیانیه‌ای گفته است این حملات کار «دشمنان سوگندخورده» مردم افغانستان بوده است. عبدالله برگزاری اعتراض‌های مسالمت‌آمیز را حق تمام شهروندان توصیف کرد و گفت حکومت مسئولیت دارد امنیت معترضان را تأمین کند. رئیس اجرائی کشور می‌گوید که او به نیروهای امنیتی دستور داده با «تمام‌توان» عاملان این رویداد تروریستی را شناسایی کنند و آنها را تحت پیگرد قرار دهند.

جنایت جنگی

سیما سمر، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که روز یکشنبه (سوم مرداد)، در یک کنفرانس خبری صحبت می‌کرد، گفت دولت افغانستان برای تطبیق عدالت درباره کشتار غیرنظامیان در حادثه روز شنبه، می‌تواند از مکانیسم‌های بین‌المللی استفاده کند. رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر با محکوم‌کردن این کشتار گفت: «کشتار و قتل عام مردم در حادثه روز شنبه براساس ماده هشتم دادگاه جزایی بین‌المللی یا آی‌سی‌سی، جنایت جنگی محسوب می‌شود و باید مورد پیگرد عدلی قرار گیرد». وی افزود: «حکومت افغانستان قیلا به دادگاه جزایی بین‌المللی پیوسته و می‌تواند برای تطبیق عدالت در این قضیه از مکانیسم‌های بین‌المللی استفاده کند. می‌تواند از دادگاه جزایی بین‌المللی استفاده کرده و کسانی را که مرتکب این‌گونه جنایات می‌شوند، مورد پیگرد عدلی قرار دهد و برای قربانیان، عدالت را تأمین کند». هرکسی که روی صفحه تلویزیون‌های افغانستان ظاهر می‌شود، فرد یا گروه خاصی را مقصر این حادثه می‌داند. نماینده شهر کابل در مجلس این کشور که با یکی از شبکه‌ها صحبت می‌کرد، گفت: «مردم شهر کابل چه گناهی کردند که هر روز باید شاهد چنین اتفاقاتی باشند. امروز پسر من به مکتب نرفت و مثل همه شهروندان کابل امروز ما هم آسیب دیدیم». وی مقصر اصلی این حادثه را رهبران این جنبش می‌داند و می‌گوید رهبران این جنبش مقصر اصلی این حادثه هستند و خود آنها به قوم‌گرایی دامن می‌زنند. وی با انتقاد از برخی نمایندگان که رهبری این جنبش را بر عهده دارند گفت: «اینها این‌همه پول را از کجا می‌آورند که هزاران نفر را در خیابان‌ها جاشن می‌دهند، من هم نماینده هستم و همان حقوقی را می‌گیریم که آقایان می‌گیرند ولی نمی‌توانم پنج نفر را نان دهم». وی خطاب به اعضای این جنبش هم گفت: «این رهبران شما دنبال تبلیغ خود هستند و اگر همین فردا به آنها وزارت یا صدارتی داده شود، شما را فراموش خواهند کرد». کنار نماینده کابل اما یکی از رهبران این جنبش نشسته بود و دولت را متهم کم‌کاری در تأمین امنیت تجمع می‌دانست؛ مانند رئیس سابق امنیت ملی که صحبت‌هایش شبکه‌های اجتماعی را پر کرده است. وی گفت مسئول اصلی این رویداد دولت افغانستان است و باید پاسخ‌گو باشد. یک کمیسیون برای بررسی این رویداد تشکیل شده است اما به هر ترتیب اگر دولت مقصر باشد یا رهبران جنبش یا هرکس دیگری، آن ۸۰ نفری که بیشتر هم دانشجو بودند، دیگر روشنائی شادی به خانه‌شان برنخواهد گشت.